

بررسی مفهوم هویت در معماری قدسی

فریال احمدی* علی‌رضا صادقی**

چکیده:

معماری به مثابه‌ی ملموس‌ترین و محسوس‌ترین بخش از این پدیده‌ی والا، از دیرباز بستر تبلور اندیشه‌های متعالی انسان، تجلی‌گاه احساسات ناب بشری و خواستگاه تحقق کمالات آدمیان بوده است. از سویی دیگر مساجد که نمودی برجسته و آشکار از هنر در ساحتی متبرک و مقدس می‌باشند، از دیرباز بستر ساز رویدادهای تاریخی، اجتماعی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بوده‌اند. متأسفانه مسامحه و بی‌توجهی هنرمندان امروز به معنویت به مثابه برترین عامل هویت‌ساز بشری، به خلق آثار بی‌معنی گشت که آدمی را روز به روز از کمالاتش دور ساخت. از این رو نوشتار سعی بر آن دارد تا به بازشناسی و مذاقه مفاهیم و مضامین هویت در معماری قدسی بپردازد.

مقدمه:

هنر، ضریب‌انگیزی متناسب، ترکیبی موزون، خلاقیتی ماورایی و گفتمانی معنوی و پویاست که به واسطه‌ی ظرافت بیان و شهود باطنی هنرمندی متواضع و خلاق در قالب کلمات، اصوات، صور و ساختار فیزیکی بدیع متجلی می‌گردد. به واقع هنری که معنویت را به چالش و تعاملی منطقی با خود برانگیزد و پرده از حقایق هستی بردارد، در تارو پود بیانی قدسی متجلی می‌گردد. هنر قدسی به عنوان برترین نماد

عالم باقی در صورتی مادی به بهترین وجه در ساختار هنر اسلامی در سرزمین‌های مسلمان و به طور اخص در ایران زمین متظاهر گشته است. اما معماری اسلامی به مثابه محسوس‌ترین و قابل درک‌ترین بخش از هنر اسلامی که در ساحت عناصر و ساختارهای فیزیکی به منصفی ظهور رسیده است، همواره تجلی‌گاه احساسات و کمالات پاک و خالصانه‌ی هنرمندانی بوده است که با گفتمانی استعلایی بر این مهم تلاش کرده‌اند تا رمز و رازها و انتظام نهان هستی را در ساحتی عرفانی به تصویر بکشاند و از این رهگذر سبب‌ساز برقراری پیوندی معنوی میان ملکوت و عالم فانی و بیانگر هویتی ویژه و متمایز برای آن‌ها باشند.

فرض این تحقیق بر این پایه استوار شده است که در شکل‌گیری این هویت متمایز، دو دسته عوامل بیرونی و دورنی ایفای نقش می‌نمایند. «عوامل دورنی موضوعاتی چون مذهب، جهان‌بینی، تاریخ، فرهنگ و سایر قلمروهای معنوی هستند که بسته به اهمیت‌شان برای انسان در شکل‌دادن هویت او مؤثر هستند. مهم‌ترین نقش را عامل ایمان ایفا می‌کند. ایمان عبارت است از تعلق شخصیت آدمی به یک حقیقت که برای تأمین سعادت مالی و معنوی او به طور مطلق پذیرفته شده است. این پذیرش به حدی در اعماق شخصیت نفوذ پیدا می‌کند که شخصیت،

* دانشجوی دکتری معماری، دانشکده هنر و معماری - دانشگاه تربیت مدرس

** دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

هویت و ارزش خود را بدون آن پوچ تلقی می‌کند. البته ارزش ایمان بستگی به ارزش آن حقیقت دارد که برای شخصیت سعادت مطلق تلقی شده است» (علامه جعفری، ۱۳۵۹، ص ۱۲). در باب ضرورت انجام تحقیق، ذکر این نکته کافی است که به نظر می‌رسد آنچه آثار امروزی را از هویت، زیبایی و کمال تهی ساخته، غفلت از همین نیاز اساسی انسان به معنویت و ایمان درونی است.

هویت معنوی:

انسان موجودی است آگاه، سازنده، مختار با ذاتی مقدس و فطرتی الهی که هر چند «به اندازه‌ترین و زیباترین ساختمان ارگانیک جهان است از لحاظ روحی نیز طبیعت یا خدا، عالی‌ترین ساختمان روانی را در او به وجود آورده است» (شریعتی، ۱۳۵۹، ص ۱۸۰). او هرچند زاده‌ی طبیعت است، ولی گنجانند ارزش‌های والای معنوی از سوی خدای متعال (خداوند از روح خود در انسان دمید) در ماهیت وجودی‌اش، موجبات عدم تجانس وی با طبیعت را فراهم آورده و موجب گشته تا او به مثابه موجودی فراطبیعی اما مسلط بر طبیعت شناخته شود.^۱ انسانی این چنین همواره غرق در فطرت و ذات مقدس خداوندگار است، و بنیان‌های فکری و جهان‌بینی‌اش بر این اندیشه استوار است که در این جهان می‌زید، می‌میرد و سپس بر انگیزخته می‌شود.^۲

هویت معنوی چیزی جز تجلی این باور ماورایی که ماهیت رفتاری و بینشی افراد را شکل و فرمی خدایی می‌دهد، نمی‌باشد که تنها در سایه‌ی ایمان به غیب و غنای روحی افرادی حاصل می‌گردد که بر این باورند، زیستن، مردن و تمامی اعمالشان از آن یگانه آفریدگاری است^۳ که بازگشت همه به سوی اوست.^۴ آنان با وقوف به این مهم که آدمی دارای چنان مقام و منزلتی است که «بر خلاف طبیعت، استعداد این را دارد که صفات برجسته‌ی خداوند را در وجود خودش بکارد، پرورش دهد، تکامل پیدا کند... و با خوی خدا خوی بگیرد» (شریعتی، ۱۳۸۵، ص ۱۹) همواره هویت و ماهیت وجودیشان را در دایره‌ای خارج از دیار فانی و در وجود آن خدایی جست‌وجو می‌کنند که تمامی عالم از آن اوست. چرا که آنان می‌دانند تنها در سایه قرب به وصالش می‌توانند دارای چنان هویت متمایزی گردند که زمینه و بستر تکامل و تعالی روحی‌شان را فراهم آورد. نگارندگان مقاله بر این اعتقادند که بارزترین تجلی‌گاه معنویت و هویت متعالی انسانی را می‌توان در لایه‌های پنهانی هنر قدسی جست‌وجو نمود. به منظور بررسی مطالب تدقیق شده، در ادامه به توضیح مختصری درباره‌ی زوایای هنر و معماری قدسی پرداخته خواهد شد.

معماری قدسی:

هنر قدسی رهیافتی باطنی، سیطره‌ای کیفی و تجلی‌گاه عالم روحانی است که در هر قالب، صور و ساختی نفسانی و مادی که متجلی گردد، بیانگر ذات حقیقی و درونی اشیاست و همواره در تلاش است تا با بیانی متعالی و قرائتی عرفانی، عالم مادی را به‌گونه‌ای سامان دهد که دغدغه‌ی ذاتی و فطری آدمیان را که همانا دستیابی به شهود و وصال ساحت مقدس حق تعالی است، التیام بخشد. شایان ذکر است که همواره «هنر بر علمی به عالم هستی مبتنی است که ماهیتی قدسی و باطنی دارد و به نوبه‌ی خود محملی برای انتقال معرفتی با یک سرشت قدسی است. هر هنر قدسی، هنر سنتی است، لیکن هر هنر سنتی هنر قدسی

نیست. هنر قدسی در قلب هنر سنتی نهفته است و مستقیماً با وحی و آن تجلیات الهی سر و کار دارد که هسته سنت را تشکیل می‌دهند. هنر قدسی مستلزم اعمال و آداب عبادی و آیینی و جوانب عملی و اجرایی راه‌های متحقق‌شدن به حقایق معنوی در آغوش سنت است» (نصر، ۱۳۸۱، ص ۴۹۴). بنابراین عالم تجرد و لاهوت در بیان رازگونه‌ی هنر قدسی متبلور گشته است که همواره انگیزش تفکر و تأمل آدمیان را در ارزش‌های متعالی دینی و ذات اقدس الهی فراهم آورده است. اما معماری قدسی به مثابه ملموس‌ترین و محسوس‌ترین بخش از هنر قدسی تصویر و بازتابی آشکار از نظم و وحدانیت حاکم در جهان هستی است. «در نگاه سنتی انسان در جهانی می‌زید که فقط یک مبدأ و یک مرکز دارد. او نسبت به آن مبدأ در آگاهی کامل به سر می‌برد. مبدأیی که مشتمل بر کمال، پاکی ازلی و تمامیتی است که بشر سنتی می‌خواهد به جست‌وجوی آن برود. آن را دوباره به‌دست آورد و انتقال دهد. او روی دایره‌های زندگی می‌کند که پیوسته از مرکز آن باخبر است و در زندگی اعمال و اندیشه‌هایش را به سوی آن مرکز دارد» (نصر، ۱۳۸۰، ص ۱۳۳). بنابراین اگر معماری، چیزی بیش از ساختار مادی، و حتی بیش از یک شکل زیباشناختی چشمگیر دانسته شود (پوپ، ۱۳۷۳:۷۴) آن‌گاه می‌توان به این مهم معترف بود که معماری قدسی، خلق اثری ماورایی است که در آن وحدانیت، مرکز و اساس به‌وجود آمدن همه چیز است. وحدانیتی که با تکررات و تنوعات عناصر شکل می‌گیرد و به واقع زاده‌ی بستر کثرت است. در معماری قدسی انسان و تمامی عناصر حاضر در طبیعت، بازتابی از ذات احدیتی مقدس می‌باشند و زیبایی این هنر به واسطه‌ی وابستگی به همین کانون مرکزی و برقراری پیوندی منطقی میان آسمان و زمین متجلی گشته است چرا که، «زیبایی یک امر الهی است که در همه جا حضور دارد. در عین حال، هنر فقط شامل زیبایی نیست، بلکه زیبایی جنبه بیرونی دارد و تجلی کمال است و جمال و کمال با هم توأم هستند، بنابراین خدا زیبایی مطلق است، برای اینکه کمال مطلق است». در جهان‌بینی قدسی، بودن انسان در این جهان مقدمه‌ای است برای بودن جاودان در جهانی دیگر و هدف از زیستن این انسان در این جهان دست یافتن به بهشتی موعود است در جهانی دیگر و انسان سنتی در اشتیاق بازگشت به بهشت موعود، معماری‌ای می‌آفریند، که بیش از آن‌که محل سکنی‌گزیدن باشد، محل شدن و گذران است. (حجت، ۱۳۸۴، ص ۵۸). از منظر جهان‌بینی قدسی، در هر چیزی معنایی نهان و مستتر است و مکمل هر صورت خارجی واقعیتی است که ذات نهانی و درونی آن را شکل می‌دهد و جنبه‌ای کیفی است (اردلان، ۱۳۸۰، ص ۵). بر این اساس معماری اسلامی همواره تجلی‌گاه اعتقادات و اندیشه‌های معماری مسلمان بوده است که همواره کوشیده‌اند تا با برقراری ارتباطی نزدیک و مأنوس با طبیعت پیرامونی و کشف راز و رمزهای نهانی آن از یک سو و با بهره‌گیری از بیانی نمادین و استعاری در قالب صور فیزیکی و فضایی کیفی به خلق آثاری رازگونه و قابل درک همت گمارند تا احدیت و وحدانیت ذاتی مقدس را به تصویر بکشاند و آدمی را لایق حضور در وادی او گردانند. آنان جهت دستیابی به این مهم از اصولی بهره بردند که به اختصار می‌توان آن‌ها را در موارد زیر آورد.

۱ - وحدت و یگانگی:

وحدت و تجلی یگانگی حضور خالق یکتا در تار و پود کالبدی فیزیکی به عنوان فاکتور اساسی شکل‌گیری هویت و فرهنگ قدسی شناخته می‌شود. این مهم که از احکام متعالی اسلام برخاسته، معماران را بر آن داشته تا آثاری خلق نمایند که تجلی‌گاه اندیشه‌های توحیدی و فراطبیعی و اعتقاد به خدایی واحد باشد.

۲ - نظام طبیعت:

آدمی زاده‌ی طبیعت است و طبیعت به مثابه آینه‌ی تمام‌نمای جمال، زیبایی، نظم، ابهام و تقدس همواره مورد الهام معماران مسلمان این مرز و بوم بوده است. آنان بر این باور بودند که تنها با تکیه بر اصول حاکم بر طبیعت می‌توانند آدمی را به تفکر و تعمق فرو ببرند، موجبات گذار از دیار مادیات به عالم معنویت را فراهم آورند و او را به کمال متعالی‌اش رهنمون سازند.

۳ - اشکال هندسی:

حضور نقوش و اشکال متنوع هندسی در اثری مقدس علاوه بر ویژگی‌های عملکردی، به مثابه زبان استعاری و نمادین از مفاهیم و جهان‌بینی خاص و متمایز است که قدرت را مختص خداوند احد و واحد می‌شمارد. به واقع نقش‌های هندسی بی‌نهایت گسترش‌پذیر در این معماری، نمادی است از بعد باطنی اسلام و این مفهوم صوفیانه که کثرت پایان‌ناپذیر خلقت، فیض وجود است که از احد صادر می‌شود: کثرت در وحدت.

۴ - ابداع و نوآوری:

از آنجایی که انسان موجودی تک بعدی نمی‌باشد و به صورت فطری به جمال و نوآوری گرایش دارد، معماران کوشیده‌اند تا با تکیه بر تجارب، تفکرات و خلاقیت فردی‌شان از یک سو و تجلی معنویت و مفاهیم مقدس از دیگر سو، به خلق اثری بدیع و سرشار از مفاهیم و مضامین معنوی در ساحت و ساختاری مادی همت گمارند. پر واضح است که برترین تجلی‌گاه معماری قدسی در ساختار فیزیکی و معنایی مساجدی متظاهر گشته که خود نمودی آشکار از توازن، تعادل، نظم و تجسم وحدانیت خداوند بوده است.

تجلی معنویت در معماری مساجد:

مسجد برترین تجلی‌گاه مقدسات، یگانه مأمن گاه مومن، خواستگاه کمالات ناب بشری و فضایی آشنا و گرم‌خوست که تداعی ذات یگانه و اقدس الهی (وحدت) در ساختار فیزیکی (کالبدی)، اجتماعی، فرهنگی و معنوی آن متبلور گشته است. مسجد به‌مثابه سمبلی آشکار از رحمت الهی و زبانی نمادین از انگاره‌های معنوی و مذهبی و با تاکید به هدف متعالی مذاهب توحیدی مبنی بر خداگونه‌شدن (قرب الی‌الله) در سایه خودشناسی و سیر در انفس همواره کوشیده تا با برقراری پیوندی منطقی میان زمین (بستر خود آگاهی) و آسمان (زمینه ساز مسیر در ملکوت) گذار از خود و رسیدن به خدا را فراهم آورد. این بنای فرهنگ‌ساز که تجسم مفاهیم متعددی چون نظم، ابهام، انعطاف، آرامش، رازگونی و هماهنگی با طبیعت می‌باشد، با تلاش و همت معماران و سازندگان متقی و با ایمان و با تکیه بر عناصر فیزیکی‌ای چون هندسه به عرصه ظهور رسیده است. هندسه‌ای که در دستان توانای آن معماران به تبلوری آشکار از نظم

هستی بدل گشته و با کاربست رنگ و اشکال نمادین قوام و جلا یافته است. به واقع معمار مسلمان همواره می‌کوشد تا در قالب فرمی متعادل در عین تنوع و پویایی دور‌نمایی از مبانی متقن فکری و اعتقادی را به تصویر بکشاند، بستر ادراک و تاویل^۵ مفاهیم ماورایی و آنچه نیاز معنوی انسان است را فراهم آورد و انسان مطرود و بیگانه را به منزلگه مقصود برساند. "اما منبع الهام معمار مسلمان، طبیعت محسوس و هندسه‌ی پنهان و شگفت‌انگیز آن که رمزگشای صورت مثالی است، می‌باشد. طبیعتی که هندسه وحدانی‌اش را از پس تکثرات و تنوع‌اتش پیش چشمان شهود وی قرار می‌دهد." (ندیمی، ۱۳۷۸، ص ۳۷۸). به واقع او آفریننده نیست بلکه وی با اثرش پرده از رخسار حقیقت برمی‌دارد (اردلان، ۱۳۸۰، ص ۵). اما تجلی طبیعت رازگونه، حقایق و نشانه‌های خداوندی در مساجد در وجوه نمادین عناصری چون گنبد و مناره (به مثابه بنیادی‌ترین نماد کالبدی مساجد) متبلور گشته است. گنبد نماد آسمان و مقصد عروج انسان است (بلخاری، ۱۳۸۴، ص ۱)، پوسته‌ای است محذب که با نگاه درونی‌اش، با انسان مخلص و با ایمان هم‌نوا گشته و بستر سلوک روحانی و عرفانی او را فراهم آورده است. هم‌چنین تزیینات و رنگ‌های فیروزه‌ای و لاجوردی که این پوسته را می‌پوشاند، مفهوم هفت آسمان را به ذهن هر بیننده‌ی متبادر می‌سازد. هفت آسمانی که خداوند در سوره طلاق آیه ۱۲ بدان اشاره می‌نماید. (خداوند همان کسی است که هفت آسمان و همانند آن هفت زمین را آفرید... به راستی دانش وی همه چیز را در بر گرفته است.) و معمار با آگاهی تمام، این مضمون و مفهوم متعالی و عرفانی را با زبانی استعلایی^۶ و اشکالی نمادین در فضای زیرین گنبد تداعی می‌کند و بیننده را ناخودآگاه متوجه عالم لاهوت از بستر ناسوت و روزمرگی‌ها می‌گرداند. اما این حرکت و سلوک معنوی را حضور مناره‌هایی که دست به سوی آسمان می‌گشایند، تکمیل می‌نماید. مناره‌هایی که در بی‌کران لاجوردی، تجسم آیینی رمزوار و نیایشگر حضور یگانگی خداوندگاری است که آدمی را به وصالش فرا می‌خواند. به راستی پیوند نقوش، خطوط و سادگی فرم مناره‌ای که اوج می‌گیرد و خود را از محاصره‌ی دیار فانی می‌رهاند، هدفی جز بیان قاطع عظمت یگانه خالق هستی ندارد. بورکهارت در بیان این مهم می‌نویسد: "حرکت مناره‌ها که به سوی آسمان سر برافراشته و جهش می‌کنند، نمودی از گواه و شهادت بر یگانگی خداوند است" (بورکهارت، ۱۳۶۵، ص ۶۰). علاوه بر این مناره به واسطه مفهوم ذاتی‌اش (محل نور)، فرمی دایره وار به خود می‌گیرد تا نور و کلام الهی را به هر سوی بتاباند و از این رو زمینه ساز قداستی باشد که حضور پروردگار را برای انسان محسوس گرداند.

به راستی این چیزی جز روایت این کلام الهی {.....فاینما قولو فثم وجه الله...} (سوره بقره آیه ۱۱۵) در ساختاری فیزیکی نمی‌تواند باشد. هم‌چنین تمرکزگرایی، وحدت، حرکت سلسله‌وار، حضور فضاهایی واسط که آمادگی ذهنی فرد برای گذار از عالم مادی به دیار فانی را فراهم می‌آورد (نماد برزخ)، وجود محرایی با تمامی نمادها و نشانه‌های تقدس و معنویت در نقطه‌ی تمرکز و توجه، ترکیب و کنتراست رنگ‌های زمینی (آجری) و رنگ‌های آسمانی (آبی) - فیروزه‌ای- لاجوردی و سفید) در تزیینات و بازی نور و سایه در مساجد چیزی جز حدیث تجلی شگفتی‌های هنر قدسی در فضایی سه بعدی نمی‌تواند باشد.

مسجد گوهرشاد:

«من هرگز قادر نخواهم بود لحظه‌ی دیدار آن گنبد آبی رخسند را فراموش کنم. لحظه‌ای که گاه گنبد را می‌دیدم و گاه از دیده‌ام پنهان می‌شد و باز بار دیگر آن را می‌یافتم. اما این بار به اندازه‌ای نزدیک که برق چینی نور را بر آن ببینم. گنبد مسجد گوهرشاد آبی است؛ اما کدام فامه‌ای از آبی؟ چون آبی گنبد، هر لحظه دگرگون می‌شود. شخص می‌تواند و باید، ساعت‌ها را قدم زنان در اطراف گنبد به پایان آورد.» (الکساندر، چرمایف، ۱۳۷۶، ص ۵۸).

گفته فوق که بیانگر احساس "ستول" در هنگام اولین حضور در مسجد گوهرشاد است؛ به خوبی بر جنبه ماورایی و فرازمینی یکی از بهترین مظاهر معماری قدسی ایران زمین صحنه می‌گذارد. مسجد گوهرشاد در مشهد مقدس، بنای باشکوه عصر تیموری و آیین‌های تمام‌نما از تجلی ملکوت و هنر متعالی ایران اسلامی است که در دوره‌ی حکمرانی شاهرخ پسر تیمور و به همت بانی‌ای نیکوکار (گوهرشاد آغا) و معماری زبردست (استاد قوام‌الدین شیرازی) در سال ۸۰۸ ه.ق پس از ۱۳ سال تلاش بی‌وقفه به منصفی ظهور رسیده است.

این مسجد برخلاف دیگر بناهای چهار ایوانی در انتهای ایوان‌های اصلی و بزرگ هر جبهه، به تالار گنبدداری ختم نمی‌گردد و تنها در بخش جنوبی (ایوان مقصوره) است که معمار با خلاقیت فردی و ایجاد نه‌باز و نخیرهای متنوع، بستر شکل‌گیری فضایی مربع شکل با پوشش گنبدی دو پوسته به ارتفاع ۴۰ متر را میسر ساخته است. به واقع این ارتفاع، عظمت گروهی و دوری از تناسبات انسانی را به ذهن آدمی متبادر می‌سازد. فرم و نوع رابطه ایوان‌ها با یکدیگر و هم‌چنین ارتفاع گنبد، که از آنها وحدت و یگانگی در عین کثرت، ابداع و نوآوری و تلاش برای کنده‌شدن از زمین مادی و نیل به آسمان به عنوان نماد جهان تجرد و لاهوت جهت شهود و وصال ساحت مقدس حق تعالی استنباط می‌شود، شاید اولین نشانه از حضور اصول قدسی در معماری این بنا باشد. آشنایی استاد قوام‌الدین شیرازی به عنوان معمار بنا و واسطه این طی طریق از عالم ماده به عالم معنی، با اصول تباین فضایی و تسلط بصری، که در

ترکیب‌بندی و رابطه‌ی فضایی بین حیاط، ایوان‌ها، گلدسته‌ها و گنبد نمود می‌یابد؛ بر انتقال این مفاهیم متعالی به مخاطب تاثیر شگرفی داشته است. اما در نگاهی دقیق‌تر به این بنا، حضور و وجود تعادل و عدالت، به عنوان انگاره‌هایی دیگر از معماری قدسی، به‌وضوح خودنمایی می‌کند. این وجود در پرهیز هم‌زمان از یکنواختی ملالت‌آور و پیچیدگی گیج‌کننده بروز می‌کند. انجام این مهم به کمک استفاده ماهرانه معمار از نیروی نقش و نگار کاشی‌کاری‌ها، طرح‌های هندسی آجری و هم‌چنین استفاده از تباین معنی‌دار ایوان‌ها با ریتم رواق‌ها، دهلیزها و نخیرهای عمیق صورت پذیرفته است. اما در باب تزئینات و ترکیب رنگ در مسجد گوهر شاد و از آن جهت که معماری قدسی از طریق طراحی جزئیات زیبا و کارکردی در بناها، و ترکیب هم‌زمان نقش و نگارهای ملهم از طبیعت با اشکال هندسی در تزئینات بناها، سعی در بیان مفاهیمی چون جمال، زیبایی، نظم، تقدس و قدرت لایزال حق تعالی داشته است، و هم‌چنین از آن جهت که رنگ‌ها که با الهام از طبیعت در جای خود قرار می‌گیرند، هر یک نماد و استعاره‌ای از عالم کبیر هستند؛ باید گفت: به غیر از ازاره‌های بنا که با سنگ تیره پوشیده شده است، بقیه‌ی بخش‌های نما با شیوه‌های مختلف اسلیمی و گیاهی در رنگ‌های متنوع آبی، فیروزه‌ای، زرد، سفید و... تزئین شده است. هم‌چنین "ایوان شبستان سفید یکدست است، حال آنکه در سه ایوان دیگر زمینه طاق رنگ قرمز مات دارد که با کتیبه‌های قرمز فیروزه‌ای روشن با سایه سفید که به رنگ سبز در زمینه قرمز جلوه‌گر می‌شود." (پوپ، ۱۹۸:۱۳۷۳).

استفاده از رنگ‌های متنوع و در عین حال هماهنگ (وحدت در عین کثرت) و غنا بخشیدن به نور (به عنوان نمادی از کمال ذات اقدس الهی) در معماری قدسی به حد اعلا می‌رسد. حیاط مسجد گوهر شاد، که از آن به عنوان زیباترین نمونه رنگ در معماری که تاکنون پدید آمده است یاد می‌شود، (همان) مثال بارزی از توجه و علاقه معماری قدسی به رنگ و نور است. اصولاً در معماری قدسی رنگ‌های سفید، آبی فیروزه‌ای، لاجوردی و آجری بیشتر از همه به کار رفته است. چرا که آبی فیروزه‌ای و لاجوردی دو رنگ سمبلیک از آسمان است و آجری به دلیل هم‌رنگ‌بودن با خاک سمبلی از خاک و سفید که کنتراست شدیدی را برای طرح‌های اسلیمی و هندسی فراهم می‌کند، رنگی بهشتی است و سمبلی است از نور (انصاری، ۱۳۶۷:۱۳۱).

در عین حال به‌کارگیری اعدادی مقدس در طراحی مجموعه (وجود هفت شبستان، هفت در ورودی) نیز، نشان از تفکرات قدسی و عرفانی در ساخت این بنا دارد. بنایی که به عنوان نشانه و سمبلی از معماری قدسی، و به عنوان اثری فاخر، سعی در فراهم‌ساختن بستری داشته که جزئیات کالبدی با پشتوانه‌ی تفکرات عرفانی، دست به دست هم دهند تا کلیتی معنوی شکل گیرد و وجود احدیتی مطلق را در ورای لایه‌های پنهانی‌اش به انسان یادآوری کند.

پی‌نوشت‌ها:

۱- دکتر علی شریعتی معتقد است: انسان موجودی است در طبیعت اما دارای ارزش‌های برتر از طبیعت که موجب می‌شود انسان از یک سو در طبیعت تنها باشد و غریب و تبعیدی و از دیگر سو همین ارزش‌هایی که او را در طبیعت غریب و تبعیدی و تنها و نامتجانس با طبیعت ساخته، موجب گشته تا بر طبیعت مسلط باشد. (۱۳۸۵، ص ۵۱)

۲- اشاره به آیه ی ۲۵ سوره ی اعراف که می‌فرمایند: "در آن زندگی می‌کنید و در آن می‌میرید و از آن برانگیخته می‌شوید"

۳- اشاره به آیه ی ۱۶۲ سوره ی انعام که می‌فرمایند: "بگو در حقیقت نماز من و [سایر] عبادات من و زندگی و مرگ من برای خدا پروردگار جهانیان است"

۴- اشاره به آیه ی ۱۵۵ سوره ی بقره که می‌فرمایند "... همه از خداییم و به سوی او بازمی‌گردیم..."

۵- تاویل: به معنای بازگرداندن چیزی است. علامه طباطبایی در این زمینه معتقد است: تاویل در عرف قرآن به معنای همان حقیقتی است که یک شیء متضمن آن حقیقت است و به سوی آن باز می‌گردد و مبتنی بر آن است. مثلاً تاویل رویا همان تفسیر است. تاویل حکم، ملاک آن حکم است و تاویل فعل همان معنی مترتب به آن است و تاویل واقعه همان علت واقعی آن است. عر استعلا: کیسلر معتقد است: استعلا، جهت‌گیری از خود به سوی فوق خود است. این فوق خود، یا در درون یا در بالا، یا در محدوده‌ی بیرونی، گسترش یافته‌است. یعنی، انسان با رسیدن به بیرونی‌ترین نقطه‌ی محدودیت‌های وجودی‌اش به وراء کشانده می‌شود و این همان استعلاجویی انسان است.

منابع و مأخذ:

- ۱- آوینی، سید محمد. «جاودانگی و هنر (مجموعه مقالات)». انتشارات برگ، ۱۳۷۰.
- ۲- ارجم، اکرم. «رمز پردازی در مسجد». مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی معماری مساجد. انتشارات: دانشگاه هنر. صص ۲۵ - ۱۸، ۱۳۷۹.
- ۳- اعوانی، غلامرضا. «هنر، سنت، سنت‌گرایان». دومین هم‌اندیشی هنر، سنت، سنت‌گرایان، ۱۳۸۷.
- ۴- افتخاری راد، فاطمه. «رنگ در مساجد». مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی معماری مساجد. انتشارات: دانشگاه هنر. صص ۴۰ - ۲۷، ۱۳۷۹.
- ۵- الکساندر، کریستفر. عرصه‌های زندگی جمعی و زندگی خصوصی. ترجمه‌ی: منوچهر مزینی. انتشارات: دانشگاه تهران. چاپ سوم، ۱۳۷۶.
- عر انصاری، مجتبی. «اصول طراحی معماری سنتی و اسلامی». دانشگاه تربیت مدرس. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد معماری، ۱۳۶۷.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی:

هنر و معماری اسلامی، مکاشفه‌ای استحسانی و مجاهده‌ای عرفانی در روند تجربه‌ای زیباشناختی از صور هستی است تا با امکان‌دهی رهایی از غریت و وصول به قربت از طریق تجربه‌ای شهودی یا محسوس، ترجمان وحدت‌جانان در کثرت جهان در قالب ادبیات و کلام، ترسیم و تجسیم، تذهیب و نگارگری و معماری گردد که به‌یادآورنده‌ی مراتبی در عرفان اسلامی است که هویت عام سالک را به هویت خاص احدیت پیوند می‌زند و در طی چنین اتصالی است که هویت واحده‌ای شکل می‌گیرد که در عالی‌ترین مرتبه ماهوی عینیت‌بخش تمنیات فرد هنرمند و سالک برای رسیدن به ینبوع وجودی‌اش است، که در واقع اصل همان چشمه هویت بشر امروز است که هرچند آن را به فراموشی سپرده است ولی قصد دارد تا دیگر بار و دیگر بار، آن راه به چنگ آورد، چنانچه گفته‌اند:

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش
باز جوید روزگار وصل خویش

این امر در رابطه با معمار هنر قدسی و خاصه نمونه بارز آن مسجد گوهرشاد مسجد، ترجمانی از عرفان اسلامی است که با تجلیه‌ی سرّ از غیر و تحلیه‌ی روح، در پی معرفتی شهودی به سبب طاعت قلبی سعی دارد تا برگردان وحدت الهی در سلوکی از کاشانه‌ی سلامات به دیر خرابات گردد و مقام فناء ذات را حاصل گرداند که ذوات را محو و منطمس در ذات حق یابد و آن را در معماری قدسی به منصف ظهور رساند. از این دیدگاه معماری قدسی مساجد در تمام مراتب ساخت یا تجربه فضای وجودی‌اش، در قالب گفتمان هنر و عرفان اسلامی به سرچشمه‌هایی از معنویت دست می‌یازد تا ترجمانی از روند تکوینی هنر اسلامی با آمیزه‌هایی قدسی در راستای هویت‌سازی برای باشنده امروز بشری باشد.

- ۷- بلخاری قهپی، حسن. «جایگاه کیهان شناختی دایره و مربع در معماری مقدس اسلامی». نشریه هنرهای زیبا. شماره ۲۴، ۱۳۸۴.
- ۸- بمانیان، محمد رضا. «تقوای الهی و معماری مساجد». مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی معماری مساجد. انتشارات: دانشگاه هنر. صص ۱۰۱ - ۸۹، ۱۳۷۹.
- ۹- بورکهارت، تیتوس. «هنر مقدس (اصول و روش ها)». مترجم: جلال ستاری. تهران. انتشارات: سروش. چاپ دوم، ۱۳۶۹.
- ۱۰- بورکهارت، تیتوس. «هنر اسلامی زبان و بیان»، ترجمه‌ی مسعود رجب نیا، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۶۵.
- ۱۱- پوپ، آ. «معماری ایران» ترجمه‌ی غلامحسین صدری افشار، انتشارات فرهنگان، چاپ دوم، ۱۳۷۳.
- ۱۲- جعفری (علامه)، محمد تقی. «ترجمه و تفسیر نهج البلاغه». تهران: انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹.
- ۱۳- حجت، عیسی. «هویت انسان‌ساز و انسان هویت‌پرداز (تأملی در رابطه‌ی هویت و معماری)». نشریه هنرهای زیبا. شماره ۲۴، ۱۳۸۴.
- ۱۴- ذولفقار زاده، حسن. «روح وحدت». مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی معماری مساجد. انتشارات: دانشگاه هنر. صص ۳۲۰ - ۳۱۱، ۱۳۷۹.
- ۱۵- سلیمانی محمد جواد. «معماری مسجد». مجموعه مقالات همایش معماری مسجد، گذشته، حال، آینده. انتشارات: دانشگاه هنر اصفهان. صص ۲۰۶ - ۱۸۹.
- ۱۶- شریعتی، علی. «تاریخ و شناخت ادیان». جلد دوم. تهران: دفتر تدوین مجموعه آثار دکتر علی شریعتی، ۱۳۵۹.
- ۱۷- شریعتی، علی. «چهار زندان». انتشارات: قلم، ۱۳۸۵.
- ۱۸- کیسلر، نورمن. «فلسفه دین». ترجمه‌ی حمید رضا آیت الهی. تهران: انتشارات حکمت. جلد اول، ۱۳۷۵.
- ۱۹- کاظمی، زهره. «مقدمه‌ای بر حکمت اسلامی». نشریه هنرهای زیبا. شماره ۴ و ۵، ۱۳۷۸.
- ۲۰- قرآن کریم
- ۲۱- نصر، حسین. «علم در اسلام». انتشارات: سروش، ۱۳۶۶.
- ۲۲- نصر، سید حسین. «هنر و معنویت اسلامی». ترجمه‌ی رحیم قاسمیان. تهران: دفتر مطالعات دینی هنر. چاپ اول، ۱۳۵۷.
- ۲۳- نصر، سید حسین. «معرفت و امر قدسی». ترجمه‌ی فرزاد حاجی میرزایی. تهران: انتشارات فرزاد، ۱۳۸۰.
- ۲۴- نصر، سید حسین. «معرفت و معنویت». ترجمه‌ی انشا... رحمتی، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
- ۲۵- نقره‌کار، عبدالحمید. «معماری مسجد از مفهوم تا کالبد». مجموعه مقالات همایش معماری مسجد، گذشته، حال، آینده. انتشارات: دانشگاه هنر اصفهان. صص ۲۳۹ - ۲۲۱، ۱۳۷۸.
- ۲۶- نقی زاده، مهدی. «تأثیر معماری شهری بر ارزش‌های فرهنگی». نشریه هنرهای زیبا. شماره ۱۱، ۱۳۸۱.